

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوارهای صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره هفت - قسمت اول)

تقی شهرام: مستحکمتری با هم بریم جلو، ببینید مثلاً اگر ما با هم می تونستیم در این سوءتفاهمات، که در این نتایج (نامفهوم...) که موجود بوده بین دو سازمان، اون وقت، در این سطوح، بین آن وقت عمدتاً این جوری هم نیستش که واقعاً مثلاً کادرهای ما که ضد ما باشند، آخه دیگه این طور همیشه، درسته ممکنه واقعاً به جریاناتی باشه ما به اون اوضاع و هدف برسیم که بله بهتره مثلاً که از پایین و از جانب کادرها به وحدت برسیم ولی اگر ما این جا بتونیم اینا را به پیش ببریم هیچ تناقضی نداریم ما هر چقدر بتونیم پیش می بریم، هیچ تناقضی نداره ما که نمیخوایم بقول معروف شامورطی بازی بکنیم که، تو می بینی ما داریم چی میگیم من هم دارم می بینم ما هم می فهمیم تقریباً که چه مسائلی را طرح می کنیم و حل و فصل می کنیم، بنابراین، این زمینه ها و این رشته ها و این جور جاها را ما داریم تعیین میکنیم تا این که با هم دیگه به چیزی های ذهنی یعنی به چیزهاش که ما با توضیحات با در واقع همین بحث ها، همین صحبت ها حل و فصل میشه، و ما اگر این جلسه را الآن تشکیل دادیم و تونستیم که اون جلسه شما، چرا این مسائل طرح نشده بود و یا چرا مثلاً فرض کنیم که این استنباطاتی که امروز ما داریم بدست میدیم از نظرات مون، آخه استنباطات مون هم خودش مشخصه، چرا چون تو اون جلسه بحث نشد این همون انتقادیه که ما به اون جلسه داریم، همون اول بحث هم من گفتم متأسفانه این بحث تو اون جلسه نشد که به این نتایجی که ما فکر کرده بودیم و قرار بوده رسیده بشه، یعنی نتایجی که عملاً در به اصطلاح بحث بصورت بقول خود تو هم دیپلماتیک، و به مقدار چه میدونم، همون بازی ها، خارج بشه و رُک و راست حق و حقیقت هم آقا اینه، بریزیم تو دایره، ما این موضع رو میخوایم اینا رو روشن کنیم، این قسمت های جزئی اش دور ریخته بشه، آن چه که حقیقت داره و اون اختلافاتی که حقیقت داره بین ما اون ها عیان بشه روشن بشه و ما الآن باشون برخورد بکنیم واقعاً بین ما چه اختلافاتی هست؟ الآن بین رهبری دو سازمان چه اختلافاتی هست؟ این اختلافات رو روشن کنیم بذاریم بین کادرامون، بله نشریه معنانش همینه که، نشریه معنانش اینه که در واقع اختلافات بین رهبری دو سازمان رو کادرهای دو سازمان باید حل کنن مگه معنانش جز اینه؟ ها؟

حمید اشرف: والا ما اختلافات رهبری هم نداریم

تقی شهرام: نه، چرا

حمید اشرف: چرا! یعنی ما اصلاً موضع مشترکی تا به حال نداشتیم که اختلافات داشته باشیم

تقی شهرام: اتفاقاً واسه همینه که

حمید اشرف: ما به عملکردهای دو سازمان بطور کلی ایراداتی می بینیم نه به (نامفهوم...)

تقی شهرام: عملکرد همیشه در رهبری دیگه، عملکرد رو به کی باید ایراد بگیری؟ خوب عملکرد رو باید به رهبری به کادرها هم هست

حمید اشرف: به کادرها نیست، به سازمانه

تقی شهرام: بسیار خب، ولی در نهایت باید تو یقه رهبری را بچسبید. در واقع کادر به اعتبار رهبریش معنی میده، بین از نظر انتقاد تو نمیتونی یقه مثلاً به کادر رو که مثلاً رفته فلان عمل را انجام داده بگیری، میگه آقا جون شما در رهبری سازمان شماست که فلان تصمیم را گرفته که فلان عمل نظامی را انجام داده، نمی تونی به عمل کننده اش بگی آقا چرا مثلاً رفتی فلان عمل نظامی رو مثلاً نادرست انجام دادی بنابراین این جا شما باید این نقطه بقول معروف وقتی ما در اینجا دچار به سری اختلافات به مثابه ای که ما می تونیم حل و فصل کنیم، بین من باز هم تکیه می کنم معنانش نفی نشریه یا برخوردی از سوی مثلاً کادرها نیست، ها، معنی اش اینه که ما وقتی این وسائل را در اختیار داریم چرا استفاده نکنیم، وقتی که می تونیم مسائل رو حل و فصل کنیم چرا این ها رو نادیده بگیریم و چرا از خودمون رو گم و گیج بکنیم، چرا آخه، چرا باید مثلاً به

سلسله واقعاً سوء تفاهماتی به این شکل موجود باشه بین ما، در حالی که واقعاً هیچ زمینه ای نداره، هیچ ارزشی نداره، هیچ معنایی هم نداشته، ما به شما بی اعتماد بودیم، شما هم به ما بی اعتماد بودید، هر کدوم هم دلائلی داشتیم و در حالیکه این دلائل الآن واقعاً، نه تنها به مقدار ذهنیت اوضاع به مقدار هم از بین رفته، و اینا رو باید همه (نامفهوم...) بهش احساس مسئولیت بکنیم، ما فکر می کنیم الآن واقعاً موقعیت جنبش یک موقعیت حساسیه ما اگر بتونیم این راه رو پیش ببریم واقعاً به قدرت خیلی زیادی پیدا میکنیم.

حمید اشرف: ما در این رابطه رفیق، این به واقعیتی که ما به هیچ وجه نمی خوایم دنبال اون مسائل را بگیریم
تقی شهرام: کدوم مسائل رو

حمید اشرف: همون اختلافاتی که گفتم من.

تقی شهرام: شاید برای تو هم روشن شده باشه که ما هم نمی خوایم

حمید اشرف: که اسم ما اومده و اسم شما نیومده

تقی شهرام: این واقعاً روشنه که برای ما هم، مام نمی خوایم

حمید اشرف: این کارتان رفقا به عنوان، علتی هم که ما این بحث رو شروع کردیم، این چیزها رو طرح کردیم اساسش این بود که

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: رفقا این مسئله رو که چون به برخوردی شد یعنی به نظر من رفقا، عدم طرح مسئله شون را با ما را توجیه کردن به شکلی

تقی شهرام: یعنی واقعاً تو اون جلسه هم ما توجیه کردیم

حمید اشرف: تو اون جلسه، خب به مقدار قضا یا روشن تر شد ولیکن باز هم چون شما اون تصمیمی رو که در رابطه با ما گرفته بودین، چون شما واسه پیاده کردن این تغییر مواضع، مرتباً برنامه ریزی می کردین این به واقعیتی، طبعاً ما هم در این برنامه ریزی ها جایی را داشتیم که خب با این ها ما قضیه رو چطوری طرحش بکنیم و طرح مسئله با ما بصورت انتقاد که شما با ما برخورد نکردین، این رو من نمی دونم.

تقی شهرام: این ما واقعاً این طوری فکر میکردیم که شما از جریان ما مطلع بودید.

حمید اشرف: در نتیجه واقعا (نامفهوم...)

تقی شهرام: رفیق بین، من برات رک گفتم ما چیزی نداریم واقعاً بپوشونیم، ما فکر میکردیم که شما از جریانات، بابا جون، مطلع هستید، بطور عمده این جا درک کردید ولی عملاً نخواستید، نمی خواستید حالا دلائلش هر چیز غلطی می تونه باشه ما به اونش کار نداریم، ولی از نظر ما شما به به چنین گرایشی در واقع تن نداده بودید.

حمید اشرف: اگر شما

تقی شهرام: خب

حمید اشرف: به شکلی که واقعاً برای ما مورد قبول بود

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: یعنی به شکلی که بنظر ما اصولی بود. بنیادا اصولی بود با این مسئله برخورد می کردید فکر میکنید ما واقعاً دارای یک منافع خاصی بودیم که؟

تقی شهرام: نمیدونم، الآن شاید نظر ما این نباشه

حمید اشرف: مونوپل هایی واسه ما وجود داشته

تقی شهرام: آره آره، ما این طوری فکر می کردیم، فکرمون این بود خب حالا می توانیم بگیریم که، دروغ که نمیخوایم بگیریم، فکر ما این بود آره،

حمید اشرف: یعنی ما وحشت داشتیم که یک سازمان مارکسیستی مسلح دیگه ای

تقی شهرام: آره

حمید اشرف: در عرصه جامعه به وجود بیاد

تقی شهرام: نه وحشت میدونی چی، نه نه، بین میدونی که ما از جبهه ای ها پرسیدیم این قضیه رو جواب شون هم مشخصا هم کتبی هم داریم، خط خودشونه، چی گفتن؟ میخوای بفرستم به نسخه براتون، ما نظر اونا را در واقع نظر شما می دانیم. خیلی رک، چون برای این که شما و جبهه ای ها آن چنان در هم تداخل دارید، اصلاً نماینده در واقع خارج شما

همان جبهه ای ها هستند عمدتاً، یعنی خب اشکالی نداره ها شما این طور تشخیص دادید، ولی جبهه ای ها اون جا به نام شما سخن میگن، و ما اینو در واقع نظر شما میدونستیم. همین چرا در واقعه

حمید اشرف: مگه ما این جا نبودیم که از خودمان بپرسید؟

تقی شهرام: آها به مسئله است، کجا نبودین؟ این جا خب ما عملاً چیزهای دیگه میدیدیم. بین این هم در واقع مزید بر علت شد.

حمید اشرف: یعنی ما نمی تونستیم این جا نظری بدیم ، آیا شما نمی تونستین تو اون جلسه حداقل همون نشست خرداد رو تبدیل می کردید به نشست راجع به اعلام مواضع

تقی شهرام: آخه این حرفی که تو میزنی بین، حرفی که تو میزنی، به شرطی که ما واقعاً به آدم هایی بودیم مثلاً فوق انسان یا چیزهای ذهنی مون رو همه رو می تونستیم به باره بریزیم دور، تموم اون پیشداوری ها یا همون برخوردهایی که شما با ما کردین و همه ، هر دو مون می بینیم می دونیم که چه چیزهایی هست این کار رو میکریم، حتماً اون کار هم میکریم چون الان می نشینیم این حرف ها را میزنیم، پس بین آخر سر

حمید اشرف: تو اون جلسه اون پیشنهاد همکاری و اینا واسه چی بود؟ یعنی شما می خواستید با اون پیشنهاد به کجا برسیم؟

تقی شهرام: آها، کدوم، یعنی پیشنهاد همکاری؟

حمید اشرف: همکاری کنیم و نمیدونم و الان بحث سیاسی نباشه

تقی شهرام: آخه به زمینه ای بودش

حمید اشرف: تا اون مسئول تا اون کارش به جلو نره که ما حتی دقیقاً، ما می گفتیم ارجحه که بیائیم مسئله سیاسی مون رو مطرح کنیم الان، یعنی خطوط مشترک سیاسی مون رو بریزیم تو دایره، حتی من واقعاً به شکل خیلی باخلو، اون جا مطرح کردم که رفقا، ما به شما علاقه مندیم ما حساب می کنیم روی شما، بیاییم مسائل مون رو حل کنیم، بیاییم اون انتقادهایی که داریم اون مسائل، هر چی که داریم در رابطه با هم، بریزیم تو دایره، مطرحش بکنیم، به بحث بذاریم، وازش کنیم.

تقی شهرام: آخه بین، بابا جان، تو همه این ها رو میگی به شرط این که این ور قضیه واقعاً مسئله ای که این که در واقع همون موقع که تو این حرف ها را می زدی ما هم با همان انگیزه ها با تو برخورد کنیم این طوری نبوده، ما چنین تصویری نداشتیم تو هر چی میگفتی ما میخواستیم ببینیم قدم به قدم ببینیم چقدر تفاهم هست خب هست.

حمید اشرف: آخه این چقدر تفاهم رو چی تعیین اش میکنه؟

تقی شهرام: هر چی. عملیات و کارهای روزمره

حمید اشرف: مثلاً؟ مثلاً کتاب و فشنگ با هم رد و بدل بکنیم؟

تقی شهرام: نه، حالا، این که نیست، این که مسئله ای نیست. بین ما اگر هم اون دفعه مسئله ای مثلاً فرض کنید اگر شما دقت کرده باشین ما اون باری هم که دو مرتبه اومدیم گفتیم همون تابستون 53، آقا درست نیست، زمینه مثلاً فرض کن برخورد الان در اینجا فراهمه، ما پاسخ بهش نمیدیم، برخوردها خیلی مثلاً آبکیه، فلانه. این هم به گام بود از طرف ما چون ما فکر میکریم مثلاً به این طریق شاید بتونیم به خورده نزدیکتر بشیم. آخه می دانید چه جوریه، مثلاً به مثال بزنم براتون، مثلاً شما "شعارهای وحدت" را برداشتین، نوشتید، "شعارهای وحدت" عملاً چی میخواست به ما بگه، ما اول این تصور را میکریم که یعنی در واقع به موضعی بودش به مقدار زیادیش علیه ما، یعنی مثلاً فرض کنیم که طرح میشد که گویا مثلاً سازمان ما، البته شما اینو میدونید کی به ما دادید، اینو به ما نیمه شهریور دادید، ها

جواد قاندي: مهر

تقی شهرام: مهر دادن؟

جواد قاندي: بیست و پنجم مهر این نشریه رو به ما دادن

تقی شهرام: آهان، نشریه رو شما بیست و پنجم مهر دادید نه اردیبهشت

جواد قاندي: چون ما تو اردیبهشت نداشتیمش

حمید اشرف: این ماجرای داره که این به امکانات انتشاراتی ما برمبگرده

تقی شهرام: خب البته

حمید اشرف: نشریه قسمت هایی چاپ شده بود، قسمت هایی نشده بود

تقی شهرام: بله، اشکال نداره.

حمید اشرف: بهر حال به خورده ضرباتی خورده بودیم

تقی شهرام: بله! اونش مهم نیست

حمید اشرف: آخه نشریه دیرتر از موعد در اومد

تقی شهرام: اتفاقاً موقعی در اومد که دیگه چاپ مال ما تقریباً داشت تمام میشد، یعنی من خوب یادمه که ما موقعی دیدیم که اصلاً باور نمیکنی که ما چقدر مثل آب سرد ریختن رو سرمون وقتی مثلاً این شعار وحدت شما رو خوندم، بعد دیدیم که، ما این طوری حدس و حساب کردیم که شما به یه چیزایی در واقع متوجه شدین، و نقطه نظرات ما، چون ما اون مقاله وحدت رو اگه یادتون باشه مقاله وحدت نیروهای آمریکای لاتین رو بهتون داده بودیم یعنی در واقع در این میان، اون جا ما داده بودیم بهتون، قبل از این قضایا، قبل از این که این اعلامیه را بدیم. بعد در قبال اون شما چی نوشتین، شما "شعارهای وحدت" را نوشتین، بین ما برامون این طوری تصویر شد و فکر کنم که هنوز هم درسته که شما وقتی ما اون جا نوشتیم که ما واقعاً چه، در واقع چه دلیلی داره که ما رفقای (نامفهوم...) می خواهیم وحدت پیدا کنیم ما اونجا منظورمون این نبود که ما مذهبیه ها و مثلاً توده ای ها با این تصمیم مارکسیست ها را خر کنیم و بکشیم تو سازمان مذهبیه. ما منظورمون این بود که واقعاً به همون شکلی که الان داریم صحبت میکنیم منتهی خب اون موقع اعلام نکرده بودیم. شما این جا چه برداشتی کردین؟ شما فکر کردین که ما با این مسئله می خواهیم در واقع یه موضع التقاطی و پیچیده تری بگیریم و مثلاً فرض کن مارکسیست ها را هم جذب بکنیم و بعد هم بگیریم که خب ما هم مذهب هم مارکسیست، بابا اصلاً این حرف ها نداره بیاید با هم بنشینیم تو یه سازمان کار کنیم و حتی یک جبهه بشیم و بعد هم این یک موردش، اینه که شما نوشتید بدون اینکه ما حتی اون جا به شما این نامه را داده بودیم، این مقاله را داده بودیم و توی اون مشخصاً منتظر عکس العمل شما بودیم، عکس العمل شما مثلاً شعارهای وحدت در آمد واقعاً مثل اینکه آب سرد ریختن رو سرمون، این درست تو همان مهر بود یعنی تقریباً چیزای ما در اومده بود، منتشر شده بود.

حمید اشرف: شما انتقادات تون به "شعارهای وحدت" چیه؟

تقی شهرام: خب این بحثی رو، حتماً اگر لازم شد برخورد می کنیم.

حمید اشرف: حتماً لازمه. ها!

تقی شهرام: خب میکنیم، میکنیم، این هم واقعاً قرار شد تو این جلسه.

حمید اشرف: ما حاضریم (نامفهوم...)

تقی شهرام: ببین اگر قرار بشه تو این جلسات ادامه پیدا کنه بنشینیم به این نتیجه برسیم، میایم میگیریم مشخصاً مواردش رو، اگر قرار شد نوشته بدیم نوشته میدیم، ولی ما انتقاد داریم به اون "شعارهای وحدت" چون واقعاً ما فکر میکردیم که، نه این که مثلاً قسمت خیلی به اصطلاح مسائل عام و اصولی داره که خب مورد قبول ما هم هست، بله، توی سازمان، کمونیست ها باید سازمان های مخصوص به خود شونو داشته باشن، حتی در، به قول لنین در نطفه ائی ترین به اصطلاح فعالیت و سازمان هم باید کمونیست ها باید سازمان مخصوص به خودشون رو داشته باشن. این هیچ بحثی روش نیست. ما یه سری بحث ها تون رو اصلاً بهش انتقاد نداریم، ولی این که در واقع فقط به یه شکل خیلی یک جانبه ای تمایل ما رو شما به طور نادرستی تفسیر کردین، تمایل ما رو به وحدت و نظر ما رو

بهروز ارمغانی: تمایل شما مارکسیست یا مجاهدین؟

تقی شهرام: ها، تمایلات ما مارکسیست، یعنی فکر کردیم شما متوجه میشین

بهروز ارمغانی: آهان، فکر کرده بودین و باید حتماً متوجه می شدیم ما؟

تقی شهرام: آهان! بله و این دیدیم که واقعاً شما این طوری برخورد کردین یعنی در واقع انگار که نه انگار و وقتی که اونو دیدیم درست مثل اینکه آب سردی ریختن رومون. دیدیم، ای، عجب!

جواد قانلی: آخه ما تو مرداد بهتون گفتیم ما مارکسیست شدیم شما تو مهر یه نشریه میدین دست ما، که بهش میگیریم که نمیدونم عوام فریبی ایدئولوژیکه نمیدونم فلانه، بیساره، این آخه یعنی چی؟ این خطابش به کی بود اون؟

تقی شهرام: یعنی مثلاً اینو واقعاً وقتی مثلاً بچه ها می خوندن، خب معلوم بود هر آدم ساده ای هم می فهمید که فوری منظورش کیان، چیان، مثلاً چه مطالبی طرح کردند ولی ما، پس وقتی شما میگردید چرا نیومدید به ما بگید، ببینید شما این کار خودتون هم، ببینید، ببینید که وقتی ما واسه شما شعار وحدت رو، ما مقاله وحدت را میدیدیم شما ور میدارین برای ما مسخره می کنید میگردید که کسانی که نمیدونم ساده لوحانه دلشون لک زده برای وحدت، فکر می کنند به همین سادگی ها میشه فلان بهمان

حمید اشرف: آخه وحدت مارکسیست - لنینیست ها عمدتاً وحدت سازمان های مارکسیستی به

تقی شهرام: خیلی خب ما که دقیقاً اینو می فهمیم، بله چهار تا سازمان مارکسیستی بودن، اونجام توضیحش دادیم

حمید اشرف: ما در حقیقت

تقی شهرام: نه آخه، من از شما یه سنوال دارم رفیق،

حمید اشرف: در آن اثر (نامفهوم...)

تقی شهرام: تو همون مقاله،

حمید اشرف: تحریف میکنید "شعارهای وحدت" رو

تقی شهرام: تحریف؟ من همون، تو همون مقاله وحدت اگه یادت باشه آخره، تو مقاله بیارین اینجا بنشینین بخونیم رفیق، اون جا داره بحث میکنه، اون جا کجا موضع التقاطیه؟ اون جا داره بحث میکنه که مذهب چه پایگاهی داره، و چه جوری نقد و چه جوری در واقع تحلیل می کنه ماهیت اجتماعی مذهب رو و حتی مبارزه شو توجیه به اصطلاح توضیح میکنه و نشون میده که رو به انحطاطه و هزار تا چیز دیگه و نشون میده که چه جور نیروهای مارکسیستی رو به رشد اند و دقیقاً موضع مارکسیستی این مقاله روشنه، بنابراین اگر هم حرفی از وحدتی شده اینجا مسئله دعوت به وحدت نیروهای مارکسیسته، ما فکر کردیم اصلاً با این دو تا مقاله شما کاملاً متوجه شدین دیگه

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdeghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com

چریکهای فدائی خلق ایران